

در انتظار فاجعه نشستن، خود فاجعه ای بزرگ است

مصاحبه پرتو با فاتح شیخ
درباره جنگ در گرجستان و خطر جنگ علیه ایران



پرتو: شما در مصاحبه با نشریه کمونیست شماره ۱۵۶ اشاره کرده اید که "خطر جنگ از همیشه جدی تر شده است"، چه فاکتورهایی و چرا درست در این مقطع مسئله را جدی کرده است؟ زمان زیادی به انتخابات رئیس جمهوری آمریکا نمانده، آیا اساسا از نظر زمانی هم میتواند با توجه به کل فاکتورها و از جمله مخالفت روسیه و چین، این اتفاق بیفتد؟

فاتح شیخ: در آن مصاحبه دلایل مشروعی برای این حکم بیان شده است. جنبه تحلیلی مساله به کنار، وقایع روز، مدام افزایش تنشها و تهدیدات متقابل را نشان میدهد. نه در رفت و برگشت های دیپلماتیک پیشرفتی مشاهده میشود، نه مانورهای نظامی و موشک هوا کردنها فروکش میکند.

ص ۲

لایحه حمایت از خانواده راهکاری از انبان محمد رسول الله



ثریا شهابی: کلیت لایحه جدید "حمایت از خانواده" در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. این لایحه و بخصوص دو بند ۲۳ و ۲۵ آن موجی از اعتراض و انتقاد، حتی در بین خود مجلسی ها را هم بدنبال داشته است. عده ای آن را لایحه و قانون "ضد خانواده"، منشا "تزلزل خانواده"، ضد زن و ارتجاعی دانسته اند.

بند ۲۳ این لایحه به مرد قانونا اجازه ازدواج مجدد بدون اجازه همسر اول را میدهد و بند ۲۵ مهریه زن را مضمول مالیات میکند. این قانون بعلاوه صیغه یا "ازدواج" موقت را بدون ثبت در دفاتر رسمی قانونی میداند و بعلاوه به زن اول "حق" میدهد که اگر مخالف تعدد زوجات همسرش بود مهریه اش را طلب کند و بر این مهریه البته مالیات تعلق خواهد گرفت. ص ۳

حاملین بیماری وبا و سل یا فاشیسم عریان اسلامی؟!

سعید آرمان



۲۳ تیرماه سال جاری شهر شیراز شاهد صحنه های دردآور تخریب آلودکهای افغانیهای حاشیه نشین این شهر و عملیات "پاکسازی" آنان بود. این خیر همراه با تصاویر دلخراش حمله مزدوران اسلامی همراه با لودر و ویران کردن سرپناه محقرشان، از سایت جام جم منعکس شد. ص ۵

• **اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست**
(بمناسبت سالروز حمله وحشیانه رژیم اسلامی در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ به مردم کردستان)

• **بیانیه فعالین اجتماعی مریوان علیه قتل ناموسی**

ص ۶

افزایش تحریم ها علیه ایران و نتایج آن

متن تلخیص شده مصاحبه تلویزیون پرتو با
خالد حاج محمدی

پرتو: تحریمها علیه ایران و لیستی از شرکتها دامنه بیشتری گرفته است. دولتهای غربی و مشخصا آمریکا در صدد است فراتر از سازمان ملل و حتی کشورهای +۱ و ۵ بازهم تحریمهای بیشتری علیه ایران اعمال کند. تحریم علیه ایران جدید نیست ولی به این شدت نبود. آیا سیاست جدیدی دارد مطرح می شود یا اتفاق مهمی افتاده و کلا این اوضاع را شما چگونه می بینید؟

خالد حاج محمدی: فاکتورهای جدیدی عمل می کنند ولی تحریمها ادامه سیاستهای قبلی است که دول غربی داشته اند. پشت کشمکش با جمهوری اسلامی و ماجرای هسته ای، و کل کشمکش ها و جدالهای قدرتهای امپریالیستی منافع زمینی و واقعی خودشان و اختلافات شان بر سر تقسیم مجدد جهان خوابیده است. دنیای یک قطبی تمام شد، چین یک قدرت جدی است، روسیه به همین صورت، آمریکا موقعیت گذشته اش خیلی وقت است نمانده است و جدال برای سهم بزرگتر هر روز در گوشه ای خود را نشان میدهد.

کشمکش و جدال بر سر مسئله هسته ای ایران و تحریمها و اختلافات میان دولتهای امپریالیستی تنها یک پوشش بر سر اختلافات بنیادی تر است که با هم دارند. مسئله تحریم علیه ایران جدید نیست اما یک فاکتور در اینجا می تواند جدید باشد و آن هم مسئله گرجستان است. جنگ روسیه با گرجستان، تعرض روسیه به منطقه نفوذ آمریکا، قدرت نمائی نظامی روسیه و تلاشهای آمریکا در دفاع از دولت پرو امریکائی گرجستان، یک فاکتور جدید است که میتواند بر دامنه تحریمها علیه ایران و تشدید بحران هسته ای تاثیر جدی داشته باشد.

دامنه تحریمها اساسا از جانب دول غربی و مشخصا دولت آمریکا شدت پیدا کرده است، اینها تلاش دارند، علاوه بر حل موازنه بین المللی با روسیه، جمهوری اسلامی را پای شرایطی بیاورند که خودشان تعیین کرده اند و به نفع آنها است.

جمهوری اسلامی اوضاع را و اختلافات اینها را می فهمد؛ نقطه ضعف دولت بوش و نقطه قوت های خودش را می شناسد. جمهوری اسلامی هم منافع زمینی خودش را در منطقه دنبال می کند

ص ۴



در انتظار فاجعه ...

فاتح شیخ

... بخصوص روند عضله نشان دادن مقامات نظامی ایران و اسرائیل همچنان تصاعدی است. اینکه آمریکا در وضعیتی نیست که توان و تمایل پیشبرد جنگ دیگری در خاورمیانه را داشته باشد واقعیتی است که رابرت گیتس در مقاله چند روز پیش خود در انترنشنال هرالد تریبون با صراحت تمام بیان کرده است. اما خوشحیالی یکجانبه است اگر تصور شود که چون آمریکا قادر و مایل به جنگ نیست پس جنگی نمیشود.

جنگ علیه ایران، که شبخ آن دو سال و نیم است فضای منطقه و جهان را اشباع کرده، تابعی از رابطه دوجانبه آمریکا و جمهوری اسلامی نیست؛ همچنانکه جنگ پنج سال پیش آمریکا علیه عراق هم تابعی از رابطه آمریکا با رژیم صدام نبود. در هر دو مورد، دست به جنگ بردن آمریکا از اهداف جهانی استراتژی میلیتاریستی آن دولت در رابطه با دولتهای بزرگ امپریالیستی رقیب در میآید. و رابطه دولتهای امپریالیست، موازنه قدرت بین آنها و تغییر آن تابع مختصات اقتصاد سیاسی جهان امروز و تحولات دراماتیک در موقعیت جهانی این قدرتها در دو دهه اخیر بوده است.

با بن بست استراتژی قلدری نظامی آمریکا و شیب بحران اقتصادی دامنگیرش، موازنه قدرتهای امپریالیست طوری بهم خورده که نه تنها دوره سازش با آمریکا و باجدهمی به آن دارد تمام میشود، بلکه یک بار دیگر مساله "تقسیم مجدد دنیا" بین قطبهای بزرگ قدرت شروع شده و همه کارتهایشان را روی میز گذاشته اند. همین روزها شاهد بودیم که حتی المپیک هم رنگ رقابتهای و مچ پیچیدهای سیاسی را گرفته است. جنگ در گرجستان چشمه دیگر این پروسه است. نامادگی فعلی آمریکا برای جنگ بنابراین فقط بخشی از صحنه است، نیاز آن دولت و بخصوص نیاز اسرائیل متحد شماره یک آمریکا در خاورمیانه به جنگ، بخش مهمتر صحنه است که چندان هم پشت پرده نیست که دیده نشود.

به همه این دلایل و به حکم مشاهدات روزمره، تاکید کرده ام که خطر جنگ از همیشه جدیتر شده است. دوره، دوره "تقسیم مجدد دنیا" است. فی الحال استارت رقابتهای و کشمکشهای بی مرز و تصاعدی بین همه قدرتهای بزرگ و کوچک دنیا زده شده است. خاورمیانه و منطقه نفتی خلیج انفجاری ترین منطقه دنیاست و جرقه زندهای متقابل اسرائیل و جمهوری اسلامی در این منطقه احتمال جنگ را جدیتر کرده است. علاوه بر اینها ما مفسر سیاسی نیستیم که کارمان تامل و نظاره و سبک سنگین کردن "احتمال" وقوع جنگ باشد. کار ما ایجاد اتحاد و آمادگی در صفوف کارگران و مردم ایران در برابر بدترین احتمال یعنی عملی شدن تهدیدات و در گرفتن جنگ است. این جنگ اگر اتفاق بیفتد، بیگمان به مراتب فاجعه بارتر از جنگ علیه عراق یا جنگهای یوگسلاوی است. پیام من این است که در چنین شرایطی دست روی دست گذاشتن و در انتظار فاجعه نشستن، خود فاجعه ای بزرگ است. بخصوص اگر شاهد باشیم در گرجستان با کمترین انتظار جنگ، جنگی در گرفته که ظرف یک شبانه روز نه تنها زندگی مردم منطقه مستقیم جنگ را زیرورو کرده، معادلات جهانی را چنان بهم ریخته که بوش و پوتین که تا قبل از آن ریاکارانه همدیگر را "ولادیمیر" و "جورج" خطاب میکردند ناگهان در دو قطب مقابل، با سگرمه های بسته انگشت تهدید رو به هم تکان میدهند.

پرتو: زمینه های جنگ روسیه و گرجستان چیست؟ چه تاثیری بر روابط روسیه با آمریکا و غرب داشته است؟ دامنه تاثیرات این جنگ چقدر میتواند بحران رابطه جمهوری اسلامی با دول غربی را تشدید کند؟

فاتح شیخ: چند سال است دولت گرجستان با اتکا به اینکه متحد آمریکاست، میخواهد دو منطقه اوستیای جنوبی و ابخازیا، که دو دهه است عملا از آن جدا شده اند، را زیر سلطه خود برگرداند. غروب قبل از گشایش المپیک با حساب اینکه میدیای دنیا به المپیک مشغول است، به اوستیای جنوبی

حمله برق آسا کرد اما روسیه که از آن تحرک نظامی باخبر بود و احتمالاً مدتها هم منتظر چنین فرصتی بوده با ضدحمله برق آسائی ارتش گرجستان را تارومار کرد. تلفات انسانی این جنگ مثل همیشه برای مردم عادی فاجعه بار بود. اما جدا از این، جزئیات حمله و ضدحمله از زاویه مکانی که این جنگ در دنیای واقع دارد بی اهمیت است. روسیه نشان داد که با آمادگی کامل نظامی و تصمیم قاطع سیاسی، از این فرصت برای دادن درس به آمریکا و غرب و جواب به تعرضات دو دهه اخیر آنها به آنچه منطقه نفوذ خود در تقسیم جهان میداند استفاده کرده است. این جنگ از سوی روسیه ظاهراً علیه ماجراجویی و قدرتمانی "ابلهانه" ساکاشویلی و صراحتاً با هدف "تنبیه" او صورت گرفت اما هدف واقعی آن خود آمریکا، ناتو، غرب و همچنین اسرائیل بود که جرات کرده بودند گرجستان را تا دم در ورود به ناتو ببرند و ارتش آن را برای مقابله با روسیه آموزش دهند و تجهیز کنند. این همچنین جواب روسیه به طرح استقرار "سپر موشکی" آمریکا در چک و لهستان بود. اخطار محکمی بود نه فقط به این کشورها همچنین به اوکراین و رومانیا و غیره که فکر اتکا به آمریکا برای مقابله با روسیه را از خود دور کنند.

در یک کلام یک تحرک و تعرض نظامی روسیه با هدف عضله نشان دادن به آمریکا و غرب بود. در دوره ای که پروسه تقسیم مجدد جهان دوباره شروع شده و روسیه که توان نظامی خود را بازسازی و اقتصاد خود را تا حدی راه اندازی کرده است، قصد دارد نه تنها قلمرو شوروی سابق را به زیر سلطه مجدد خود برگرداند بلکه اهداف عظمت طلبانه ناسیونالیسم روس از دوره پتر کبیر تا تزارسیم را پی بگیرد.

این جنگ در چارچوب بزرگترین رقابتهای امپریالیستی جهان سرمایه، بر متن بن بست استراتژی میلیتاریستی آمریکا صورت میگیرد. در بعد محلی، گرجستان یکی از جوجه متحدهای آمریکا تاوان افول موقعیت آمریکا را میپردازد. اما در بعد جهانی، اروپا هم دارد از بابت اتحاد استراتژیک و تاریخی اش با آمریکا تاوان پس میدهد و مجدداً با

سایه سنگین "خرس روسیه" بعنوان یک واقعیت جدید و شاید سهمگین تر از شوروی روبرو میشود. تصاعد ناگهانی اقدامات ناتو و آمریکا و اروپا تا حد زیادی مهر دستپاچگی را بر خود دارد. علاوه بر انگلیس، فرانسه و آلمان هم تلاش دارند محورهای اتحاد خود با آمریکا بویژه در ناتو را در برابر تهدید روسیه محکم کنند. اما شواهد نشان میدهد که اروپا در سایه تحولات ناشی از افول موقعیت آمریکا و با توجه به نیاز تامین انرژی نفت و گاز، ناچار خواهد شد تدریجاً از آمریکا فاصله معینی بگیرد و با واقعیت روسیه جدید کنار بیاید.

این جنگ یک بار دیگر موقعیت بلوک غرب و پیمان ناتو بعد از جنگ سرد را به آزمایش میکند. این جنگ همچنین بر معادلات خاورمیانه تاثیر میگذارد. دویدن نخست وزیر ترکیه برای دیدار با رئیس جمهوری روسیه و تلاش صریح او برای نشان دادن فاصله خود از آمریکا و ناتو و ابراز تمایل به روسیه، اولین تاثیر جنگ گرجستان بر خاورمیانه و طلیعه تاثیرات وسیعتر در رابطه روسیه با ایران، سوریه، عراق و فلسطین است. اسرائیل بعنوان نزدیکترین متحد آمریکا در خاورمیانه از این تحول شوکه شده و در ادامه با زیان زیادی روبرو خواهد شد.

در ارتباط با بحران رابطه آمریکا و غرب با جمهوری اسلامی این جنگ تاثیرات دوجانبه متناقض خواهد داشت: از طرفی موقعیت جمهوری اسلامی را برای مانور در شکاف روسیه و غرب بیشتر میکند، اما از طرف دیگر با توجه به اینکه امکان آمریکا و غرب برای اقدامات تلافی جویانه در برابر روسیه در شرایط فعلی محدود است، احتمال اینکه اسرائیل بعنوان بخشی از آن بلوک تهدیدات خود برای زدن ضربه نظامی به ایران را عملی کند، بیشتر خواهد شد.

باید توجه داشت که هدف بزرگتر جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، جدا از اهداف مستقیم آن در برابر رژیم اسلامی، عضله نشان دادن به روسیه و چین است. بنابراین، میتوان گفت که جنگ گرجستان باز هم خطر جنگ علیه ایران را بخصوص توسط اسرائیل جدی تر کرده است.

لایحه حمایت از خانواده ثریا شهابی

... موضوع چیست؟ اینهمه افسار گسیختگی در تعرض به حرمت انسان و حمله به کمترین نشانه ای از ایده برابری زن و مرد، از کجا ناشی میشود؟ ماهیت ضد زن و ضد انسانی احکام اسلامی بر همه روشن است. اما رژیم که بر بشکه باروت خشم ضد اسلامی مردم نشسته است، رژیمی که ۲۹ سال است نتوانسته است جنبش رادیکال و ماکزیمال حق زن را با توسل به قتل عام یک نسل و شستشوی مغزی دونسل، خفه کند، حکومتی که با کمترین فشار اعتراضی مردم حاضر است از اسلامیت اش پوسته ای بیشتر برجا نگذارد، چرا چنین قوانین قرون وسطایی و جنگلی بر زندگی مردم ایران حاکم میکند؟

این واقعیت که امروز جمهوری اسلام موقتا با اعتراض وسیع و گسترده ای روبرو نیست، اینکه فعلا از قدرت حمله مردم خود را در امان میداند و توانسته است فرصتی بیابد و باز چوبه های دار و بساط عربده کشی های اسلامی و حمله به مردم و زنان را براه اندازد، یک واقعیت و یکی از دلایل صدور چنین لوایح و معجونات اسلامی است. اما دلیل صدور چنین لایحه فوق ارتجاعی تنها سیاسی نیست، هم سیاسی و هم اقتصادی است.

واقعیت این است که فقر، گرانی، محرومیت، بیکاری، بی درمانی و بی تأمین در ایران بیداد میکند و میلیونها نفر را برای تأمین معاش به انواع کارهای شاق و طاقت فرسا و حتی فروش کلیه و پادوئی معاملات مواد مخدر و به تن

فروشی سوق داده است. میلیونها زن و کودک بی تأمین و گرسنه روانه خیابانها شده اند. میلیونها نفر در فقر مطلق برای تأمین معاش روزانه در سراشیب سقوط به اعماق، برای تأمین نان خانواده به هرکاری تن میدهند و تعداد زیادی برای خلاصی از جهنم فقر و نکبت اسلامی، خودکشی میکنند.

برداشتن هرچه بیشتر محدودیت های اسلامی در مقابل چند همسری و صیغه، یک راه حل اسلامی در مقابل جمعیت و وسیع بیکاران و محرومین، زنان و کودکان، است. راهکاری که تنها به مغز معیوب رهبران اسلامی رسوخ میکند. این همان راهکار برده دارانه محمد رسول الله است که امروز از آستین دولت احمدی نژاد بیرون زده است.

فشار مطالبات برحق مردم برای برخورداری از یک زندگی انسانی و تأمین حداقل شرایط زندگی، جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار میدهد. خیل عظیم فقرا و گرسنگان که نیمی از آنها زنان و دختران جوان هستند، جمعیتی که جنسیت شان کالاهای قابل معامله ای در بازار است از یک طرف، و اقلیت متمولی که قدرت تأمین معاش بیش از چند خانواده را دارد، رهبران اسلامی را به راه حل اسلامی ازدواج مجدد بی قید و شرط و صیغه و "ازدواج موقت" تنها مشروط به ثروت، کشانده است.

جامعه ای که در آن ثروت و مکنت در گوشه ای تلمبار شده است و فقر و گرسنگی اکثریت در گوشه دیگر، دولت تأمین خانواده های بی تأمین را به قیمت بردگی جنسی زن، بردوش خانواده های مرفه

میاندازد. رئیس خانواده مرفه، مرد، میتواند در حمایت فرهنگ، قرآن و حکومت اسلامی، کالایی را مفت و ارزان بخرد! این کالا سکس زن است که با به بردگی کشاندن دارنده آن، در مقابل غذا و مسکن تصاحب میشود.

اطلاق ازدواج به تن فروشی اسلامی زن که آنها در مناسبات برده دارانه صورت میگیرد، تغییری در واقعیت و ماهیت این معامله نمی دهد. در لایحه جدید، همسر اول، جنس جاندار قبلا خریداری شده، میتواند در صورت عدم رضایت، قیمت اش را بازپس بگیرد و "مهر" اش را طلب کند و ساکت شود! با این لایحه، زن و دختر که از دولت نان و مسکن و بهداشت خود و بچه هایشان را میخواهند، کسانی که قبلا روانه بازار پروتق تن فروشی غیر قانونی نشده اند، را روانه این بازار میکنند. قرار است پاسخ هر زن و دختر بی تأمین و فقر زده ای، به جای بیمه بیکاری و تأمین اجتماعی، این باشد که برو صیغه شو! شوهر کن! امکانش هست، چرا که با لایحه جدید بر تعداد متمولینی که حق "ازدواج" با تعداد نجومی دارند افزوده شده است!

این لایحه، بخصوص بندهای تهوع آور اسلامی آن که سازماندهی تن فروشی آنها در بازار برده فروشان است، قابل تصویب نهایی نیست. این برای رژیمی که یک روز از تعرض میلیونها زن و دختری که سه نسل است سهم خود از یک زندگی انسانی را میداند و آن را میخواهند، برای رژیمی که هرروز در معرض حمله جمعیت میلیونی مدافع حقوق انسانی زن است، رژیمی که ۲۹ سال است برای ساکت کردن جنبش ماکزیمال

و انسانی حق زن، انواع و اقسام دستجات پلیسی و زندان و میدان تیر تدارک دیده است، بازی با آتش است! دولت چاره ای جز عقب نشینی از طرح این لایحه "محمدی" خانواده ندارد.

اما در این میان موقعیت منتقدینی چون خانم عبادی که با هرکلام انتقادی خروارها اعتبار دروغین برای اسلام و صدرش کشف میکند، کمی اسفناک است. خانم عبادی بندهای مربوط به تعدد زوجات و لغو اجازه همسر اول و عدم لزوم ثبت صیغه را خلاف اسلام دانسته، به فتوای تعداد دیگری از مراجع اسلامی رجوع میکند و میفرماید که تعدد زوجات در صدر اسلام منطقی و به خاطر بی تأمین مطلق زنان بوده است. و اگر کسی امروز به خانم عبادی ثابت کند که دولت احمدی نژاد هم به همان دلایل پیغمبرش رسول خدا، در و دروازه تعرض به زنان و تعدد زوجات برای ثروتمندان را باز کرده است، خانم عبادی باید حق زن را فدای تعلق خاطرش به رسول خدا و منطق تأمین زنان و دختران کند و به طرفداران این لایحه بخصوص دو بند مورد نقدش تبدیل شود.

واقعیت این است که خانم عبادی شمشیر جنگی اش بد جوری زنگ زده است. این شمشیر هیچ جنگ واقعی نیست. میلیونها زن و دختر سرکوب شده در ایران برای اسلام و فرمایشات پیغمبرش پیشیزی ارزش قائل نیستند. جنبش حق زن در ایران، ضد اسلامی و مترقی و متمدن است. نمی توان با نقد این و آن ایت الله و مرجع تقلید به این و آن بند از لوایح ضد زن، هیچ رگه ای از اسلامیت در آن تزییق کرد.



پرتو: در صورت وقوع جنگ علیه ایران، راه مقابله مردم با آن چیست؟ مشخصا چه باید کرد؟ ضمنا آیا طرح هر روزه "خطر جنگ" خود باعث افزایش ترس و ناامنی در میان مردم نخواهد شد؟

فاتح شیخ: ابتدا باید بگویم به نظر من طرح هر روزه "خطر جنگ" باعث افزایش ترس و ناامنی در میان مردم نخواهد شد، این ترس و ناامنی فی الحال وجود دارد، بهره برداری رژیم اسلامی از فضای جنگی هم وجود دارد و بر زندگی

مصادره انبارهای دولت و محتکران و اقدامات تعرضی دیگر بشوند.

هدف باید به روشنی دفاع از معیشت و حقوق مردم در برابر تعرض رژیم و با چشم انداز تلاش برای سرنگونی هرچه سریعتر جمهوری اسلامی باشد. نکات و محورهای "چه باید کرد؟" در مقابله با جنگ، بسیار متنوع است که هم از کانال تبلیغات دائمی ما و هم از راه ابتکارات رهبران محلی مردم باید در دسترس توده ها قرار بگیرد.

از هم اکنون ایستادن و تعرض متقابل کردن در برابر تعرضات رژیم آماده میکند.

حزب حکمتیست در این زمینه از دو سال و نیم پیش که خطر جنگ خود را نشان داده، فعالانه برای ایجاد هشیاری و آمادگی در میان مردم تلاش کرده است و باز هم بیشتر هم تلاش خواهد کرد. کمونیستهای متشکل در کمیته های کمونیستی و همه پیشروان و فعالان آزادیخواه و برابری طلب باید دست بکار سازمان دادن نیروی مردم برای تعرض متقابل در برابر تعرضات رژیم، برای

و مبارزه مردم هم تاثیرات منفی قابل توجهی داشته است. خطرناکتر این است که این احساس ترس و ناامنی به یک وضعیت انفعال و انتظار داده شده و عادی در میان مردم تبدیل شود. دست روی دست گذاشتن و "چه میشود کرد!" گفتن نومیدانه، بسیار مهلک و فاجعه بار است. برعکس، طرح مکرر خطر جنگ، البته در کنار تلاش مشخص برای متحد کردن صفوف کارگران و مردم در راستای مقابله با جنگ، درست نقطه مقابل این حالت انفعال و انتظار قرار میگیرد و مردم را برای یک مقابله فعال با جنگ و

ادامه از ص ۱

افزایش تحریم ها ...

... و پای شریایی که دول غربی برای او می گذارند نمی رود.

پرتو: در مورد تحریم علیه ایران بعضی ها می گویند که این تحریم ها قرار است فشار بر جمهوری اسلامی بیاورد و به همین خاطر افزایش دامنه آن فشار بیشتر به رژیم ایران است. کلا شما با این تصویر موافق هستید؟ فکر می کنید این تحریم ها هدفشان فشار بر جمهوری اسلامی است و به این اعتبار می توانند مثبت باشند؟

خالد حاج محمدی: گفتیم این کشمکش به هرحال برسر منافع دراز مدت تر در کل منطقه خاورمیانه و تقسیم دوباره جهان میان قدرت های امپریالیستی است ولی یک طرف قضیه هم خود جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی هم به عنوان یک کشور و یک قدرت در منطقه راحت تن به شریایی که دول غربی می خواهند به او تحمیل کنند نمی دهد و این هم یک فاکتور است. تحریم ها به طور واقعی فشار است بر جمهوری اسلامی، شرایط را برای سرمایه و صاحبان آن در ایران و شرایط سود دهی آن ایجاد میکنند که صاحبان سرمایه ایران را برای سرمایه گذاری خود امن ندانند. کل این فشارها قرار است کمک کند که جمهوری اسلامی را پای توافقاتی بیاورند که بیشترین منفعت

را برای دول غربی تامین کند. اما مثبت و منفی بودن این اتفاق بستگی به این دارد از چشم کی و چگونه به تحریم نگاه میکنیم. مسئله این است بحرانی که تحت تاثیر این تحریمها به دولت ایران می آید بر سر مردم سرشکن میکنند و فشار آن مستقیم روی دوش مردم گذاشته میشود.

این نوع فشار به جمهوری اسلامی مشکلی از مردم را حل نمی کند و کاملاً یک جنگ تمام عیار علیه مردم و تحریم یک ابزار کشتار مردم است.

پرتو: نتیجه خود تحریم ها را چگونه می بینید و تاثیرات آن چه است؟

خالد حاج محمدی: نتیجه عملی تحریمها حتی در سطح محدود آن تا هم اکنون اثرات مخرب مستقیم آن روی زندگی مردم ایران کاملاً عیان است. قیمت اجناس و مایحتاج اولیه از نان تا مواد سوختی و دارو ... چندین برابر شده است. قیمت بعضی از اجناس مورد احتیاج مردم تا صد درصد افزایش یافته است. بعضی از مواد مورد احتیاج و پایه ای از لیست خرید اقشار محروم جامعه کاملاً حذف شده است.

مشکل کمبود مواد مورد احتیاج مردم نیست، مشکل بالا بودن سرسام آور قیمتها و عدم توان خرید مردم است. در این میان دولت و صاحبان سرمایه با علم به این اوضاع مواد مورد نیاز مردم را گویا با قطره چکان به مردم

میدهند و احتکار میکنند تا به چند ده برابر قیمت به مردم بفروشند و سود کلا به جیب بزنند. گوشت و سوخت و دارو به وفور در بازار است ولی با قیمت چندین برابر. در این میدان همراه با فقر و محرومیت مردم و افزایش بی سابقه آن عده ای دهها برابر گذشته ثروت اندوخته اند.

فقر و ثروت هر دو به میزان بی سابقه افزایش یافته است. از این زاویه وقتی نگاه می کنید، معلوم است نتیجه مستقیم این تحریم ها قیل از هر کس به فلاکت کشاندن مردم محروم و طبقه کارگر است. از جانب دیگر وجود تحریمها ابزاری دست جمهوری اسلامی داده است برای توجیه محرومیت، بیکاری و فقر مردم و بی مسئولیتی خود در قبال آن.

علیرغم اینکه سران جمهوری اسلامی شخصا صاحبان سرمایه در این مملکت هستند و سر کیسه پول و درآمد دستشان است و به این اعتبار خواهان تحریم نیستند، ولی تحریم ابزاری است دست آن برای تحمیل عقب راندن جامعه و جواب به اعتراض و مبارزه بر حق مردم.

از طرف دیگر کل این کشمکش و از جمله تحریم ایران در شرایط وجود تنفر به حق مردم از سیاست ارتجاعی آمریکا و قلدری و یکه تازی آن، نوعی مشروعیت هم برای جمهوری اسلامی به عنوان دولتی که با آمریکا مقابله میکند ایجاد کرده است. ما نتیجه تحریم علیه دولت عراق را و نتیجه نسل کشی از مردم و کودکان در عراق



را دیدیم، قربانیان تحریم مردم هستند و دود آن چشم مردم خواهد رفت.

پرتو: بعضی

میگویند فشار بیشتر به مردم باعث میشود مردم بگویند جمهوری اسلامی باید بیفتد، نظر شما چیست؟

خالد حاج محمدی: این توجیه بسیار کثیف و ضد مردمی است که در رابطه با تحریم ها گفته می شود. مردمی که در نتیجه اعمال تحریم ها باید شبانه روز فکر سیر کردن شکم خود باشند وقت نخواهند داشت حتی به رفتن رژیم فکر کنند. نه تنها این حقیقت نیست، بلکه کاملاً برعکس، تحریم و نتایج آن باعث نابودی اعتماد و اتحاد و امید مردم به زندگی بهتر و توان خود برای ایجاد آن خواهد بود. مگر مردم عراق در نتیجه آن همه فشار جز نابودی روحی و فیزیکی و هر نوع تمدنی چیزی نصیب شان شد؟ فقر و محرومیت و گرسنگی مردم را مستأصل میکند. از مردم مستأصل، از مردمی که نان شب ندارند بخورند نمی شود توقع اتحاد و انتظار مبارزه جدی را داشت.

این نوع بررسی ها و واقعیت ندارند و کاملاً ماجرا برعکس است هیچ مردم گرسنه و مستأصلی در دنیا منشاء تغییری جدی و انقلابی نبوده اند.

کارگران! مردم!

فقر و فلاکت و گرسنگی موجبات تباهی فیزیکی و روحی ۷۰ میلیون زن و مرد و کودک در ایران را فراهم آورده است. اما چرا فلاکت؟! در مملکتی که پول نفتش سرسام آور سر ریز کرده است. در مملکتی که صنایع سنگین و زیر بنا و جاده ها و خط آهن دارد. در مملکتی که محصولات کشاورزی و میوه و دامداری و ماهیگیری و شیلاتش در جهان مشهور است، در مملکتی که نیروی جوان و کارآمدش ۷۰ درصد جمعیت را تشکیل میدهد... چرا اکثریت مردمش به این فقر و فلاکت دردناک دچار گشته است؟ چرا رفاه در این مملکت سرشار از نفت و دلار و معادن و صنایع و منابع و نعمات، يك خواب و خیال شده است؟

جواب در يك کلام این است که سرمایه داران بزرگ و دولتمردان انگل و مفتخور و دزد و خیل کسانی که در این آشفته بازار جیبشان را پر کرده و میلیارددر شده اند و همه اینها که کمتر از ۱۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل میدهند، اما تمام درآمدها و منابع و ثروت جامعه را در چنگ و کنترل خود دارند.

نگاه کنید! در این مملکت تا دلت بخواهد پول و نان و نعمات و امکانات رفاهی و مسکن هست در مقابل هم میلیون میلیون انسان زن و مرد و کودک در فقر و فلاکت دست و پا میزنند و مرگ تدریجی فیزیکی و روحی را تجربه میکنند.

باید به سرچشمه رفاه دست یافت. ابزار و امکانات و نعمات دست اقلیتی مفتخور است. باید بر آنها شورید و همه را از آنها باز پس گرفت.

ادامه از ص ۱

حامین بیماری ...

سعید آرمان

بخشدار نژاد پرست شیراز، غلامرضا غلامی اینبار با کلماتی فاشیست مابانه و با بیانی صریح الهجه دلائلی همانند همتابانشان در دوران آلمان نازی، مبنی بر اخراج افغانیهای مقیم ایران و معرفی آنان بعنوان حامین وبا و سل، اظهار داشته است که "اکثر" اتباع بیگانه "غیر مجاز، دچار بیماری وبا و سل" هستند و به دلیل ارتباط مستقیم شان با مردم و شهروندان این بیماری منتقل میشود.

قدمت برخوردهای تحقیر آمیز به افغانیهای مقیم ایران به قدمت اقامت این فراریان جهنم افغانستان است که در ۳۰ سال گذشته به میدان تاخت و تاز ارتجاعی ترین جریانات سیاسی و مذهبی و باند‌های قاچاقچی مواد مخدر در این کشور بر میگردد.

اما چیزی که در این میان تازگی



دارد فاشیسم عریانی است که در توضیح سیاست رژیم اسلامی مبنی بر "حامین وبا و سل" بودن این انسانهای بی دفاع و بی سرپناه است که در دام رژیمی ارتجاعی

تر و وحشی تر از طالبانهای افغانستان گرفتار شده‌اند.

در هر کشوری که تنها یک ارزش شرافت و انسانیت و رعایت حقوق بشر از جانب دولتتشان اعمال میشود، به جای طرد شهروندان "غیر مجاز" و ویران کردن آلودگیهای محقرشان، بطور عاجل مداوای آنان را در دستور خود قرار میداد و در نهایت احترام با آنان برخورد میشد.

سرمایه داران همراه با چاشنی ناسیونالیسم و شوینیسم حاکم و این بار به بهانه ای کثیف تر از همیشه وارد کارزاری شرم آور علیه همنوعان افغانی ما، شده است. این تعرض فاشیستی اسلامی، مردم ایران را در بوته آزمایش قرار داده است که آیا به این نفرت پراکنی و بی سرپناه کردن کودکان افغانی و والدینشان و هزاران انسان سالمند که نیازمند زندگی آسوده و امن میباشند، در میان آلودگیهای مخروبه تن میدهند، یا پاسخی

جمهوری اسلامی و اعوان و انصارش سه دهه تمام، تمامی ثروت افسانه ای ایران را قاپیده اند و کنترل میکنند و عامل این همه بیکاری و فقر را به گردن کارگران افغانی میاندازند، کل اندوخته این آوارگان در عکسهای مندرج در سایت جام جم شاهد پوچ بودن این ادعاست.

شایسته و درخور به آن خواهند داد!

جمهوری اسلامی و اعوام و انصارش سه دهه تمام، تمامی ثروت افسانه‌ای ایران را قاپیده‌اند و کنترل میکنند و عامل این همه بیکاری و فقر را به گردن کارگران افغانی میاندازند، کل اندوخته این آوارگان در عکسهای مندرج در سایت جام جم شاهد پوچ بودن این ادعاست.

رژیم اسلامی در طول حاکمیتش امری بجز سرکوب کارگران و مبارزات آنان و به تباهی کشاندن جامعه، برای خود قائل نبوده است. امروز آلودگیهای محقر کارگران افغانی که بجز تعدادی قابلمه و کتری و لحاف کهنه چیز دیگری در آن وجود ندارد با لودرهای

اما به چه اندازه از "ژوزف گوبلز" وزیر تبلیغات هیتلر در هنگام صدارتش نسبت به یهودیان و سایر مردم معترض انتظار عطف و انسانیت میرفت، به همان اندازه از کاربدستان ریز و درشت رژیم اسلامی میتوان نسبت به افغانیها به درجه اولی و سایر کارگران و مردم زحمتکش، انتظار داشت.

سناریوی دردآور حمله به آلودگیهای حاشیه شهر اگر امروز به بهانه "وبا و سل" گریبان کارگران افغانی را گرفته است، سالیان سال است که کارگران ایران و مبارزات آنان نیز با وحشیانه‌ترین شیوه مورد سرکوب قرار گرفته و میگیرند. رژیم اسلامی سرمایه بعنوان یک رژیم حامی

جمهوری اسلامی همچون لودرهای رژیم صهیونیستی در نوار غزه و کناره باختری رود



اردن مورد تعرض قرار میگیرند و فردا میلیونها کارگر و زحمتکش آلودگی نشین دیگر حاشیه شهرهای تهران و تبریز و اصفهان مورد تعرض بیشتری قرار خواهند گرفت.

کارگران ایران، کمونیستهای ایران، سازمانها و نهادهای بشردوست نباید این تعرض فاشیستی را بی پاسخ بگذارند. مردم آزادیخواه و متمدن نباید صورت مسئله را از رژیم فاشیست اسلامی بپذیرند. کارگران افغانی همنوعان ما، انسانهای شریفی هستند که باید حق تمام و کمال شهروندی را برای آنان برسمیت بشناسند.

اگر در هر شهر هزاران انسان شرافتمند دفاع سازمانیافته از افغانیهای مقیم ایران را در دستور کار خود بگذارد، رژیم اسلامی اینچنین قادر به پیاده کردن طرحهای فاشیستی خود نخواهد بود. هنوز دیر نیست، باز هم فرصت برای جلوگیری از فجایع عظیم تر انسانی وجود دارد.

مردم!

اموال، مواد خوراکی و سوختی و دارو بهداشت محترک شده در انبارهای دولتی و شرکتهای خصوصی را از طریق کمیته های مردمی و نمایندگان مصادره و بطور عادلانه و برابر بین مردم تنگدست و بیکار و فقر زده تقسیم کنید. با دخالت توده ای خود بر دهان حریص بازار سرمایه داران و قیمت مایحتاج حیاتی مردم، افسار بزنید.

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

بمناسبت سالروز حمله وحشیانه رژیم اسلامی در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ به مردم کردستان

بانه، مریوان، مهاباد و بقیه شهرها بار دیگر شهرهای کردستان را اشغال نماید.

ولی مبارزات مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی علرغم سرکوب وحشیانه کارگران، زنان، اعدام و شکنجه هزاران نفر از کمونیستها، آزادیخواهان و مبارزین راه آزادی و برابری در کردستان، برای رسیدن به خواستههای انسانیشان در اشکال جنگ مسلحانه، تظاهرات، تحصن و برگزاری اول ماه مه ها و هشت مارس ها تا همین امروز ادامه دارد.

وجه مشخصه مبارزات این دوره شفافیت و شکل گیری قطبی از کمونیستها، فعالین کارگری و زنان که علاوه بر مبارزه سرسختانه خود برای خواسته هایشان، از گرایشات ناسیونالیستی فاصله گرفته و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت سوسیالیستی مبارزه میکنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری

سوسیالیستی

کمیته کردستان حزب حکمتیست
۲۸ مرداد ۱۳۸۷ (۱۸ اوت ۲۰۰۸)

این سازمانها مانند حزب توده، سازمان فداییان اکثریت و مجاهدین خلق که بجای حمایت از جنبش مقاومت مردم کردستان از خمینی میخواستند که اجازه دهد که آنها غائله کردستان را خاتمه دهند به صف ضد انقلاب جمهوری اسلام پیوستند و علیه مردم مبارز و آزادیخواه کردستان توطئه کردند.

حزب دمکرات کردستان هم که تمام تلاش و مبارزه اش شریک شدن در قدرت محلی بود در انتظار سازش با رژیم بود. و بعدها به تنهای وارد مداره با رژیم شد و نیروهای کمکی رژیم را علرغم مخالفت شدید مردم به داخل پادگانها هدایت کرد و عملاً زمینه ساز حمله بعدی رژیم به مردم کردستان بود.

رژیم در نتیجه سازشکاری حزب دمکرات و همکاری مستقیم سازمان فدایی اکثریت و حزب توده توانست سریعاً تدارک حمله را ببیند و با بمبارن کردن شهر و روستاهای کردستان و بسیج صد ها هزار نفر از مزدورانش به کردستان علرغم مقاومت قهرمانانه مردم در شهرهای سنندج، سفز،

مردم آزادیخواه و مبارز کردستان به همراه سازمانها و تشکل هایشان برای دفاع از انقلاب و آزادیهای سیاسی و تشکل هایشان سریعاً مسلح شدند و به دفاع از خود و شهرهایشان برخاستند و در مدت کوتاهی جنایتکاران جمهوری اسلامی را عقب رانند و آنها را وادار نمودند که به پادگانهایشان بر گردند.

بار دیگر شهرها و روستاها به تصرف مردم معترض و مبارز کردستان افتاد و رژیم وحشی اسلامی را ناچار به مذاکره کردند. برای کمونیستها از همان روز اول روشن بود که مذکره رژیم از سر استیصال و برای وقت خریدن و تدارک حمله وسیعتر به کردستان است. مردم کردستان برای مدت ۶ ماه دیگر آزاده شوراهای شهر و بنکه های محلات خود را تشکیل دادند و نوعی از حاکمیت مردمی را تجربه کردند.

ولی دفاع از انقلاب و ادامه آن نمیتوانست خواست تمام احزاب و سازمانهای شریک در این مبارزات باشد. بخاطر همین بود که بخشی از

جمهوری اسلامی ۲۹ سال پیش در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ در ادامه سرکوب انقلاب و تمام آزادیهای سیاسی که توده های مردم در جریان سرنگونی رژیم پهلوی بدست آورده بودند حمله وسیعی را از هوا و زمین و با بکار گیری نیروهای ضد انقلاب از ارتش، پلیس، سپاه پاسداران، سازمانهای فاشیستی مجاهدین انقلاب اسلامی، سپاه جامگان و بقیه مزدوران و قداره بندانیشان به کردستان آغاز کرد.

این حمله که با فرمان خمینی و با حمایت سازمانها و اشخاصی مانند بنی صدر که در حال حاضر در ایوزسیون رژیم هستند صورت گرفت. مزدوران رژیم صدها نفر از کمونیستها، آزادیخواهان و انسانهای بیدفاع را در دادگاههای صحرایی و در کمتر از یک دقیقه به دستور خلخال جنایتکار تیرباران کردند. در این حمله وسیع و وحشیانه به شهرهای کردستان تعداد زیادی از خانه های مسکونی مردم شهرها و روستاها را با خاک یکسان کردند، جادهها و پل ها را ویران کردند و مائینهای شخصی مردم بیدفاع را به آتش کشیدند.

بیانیه فعالین اجتماعی مریوان

علیه قتل ناموسی

مردم متمدن و آزادی خواه مریوان وحومه!

متأسفانه فرشته نجاتی ساکن روستای کانی دینار در تاریخ ۲۵ مرداد ۸۷ در یک تعرض فجیع و تکان دهنده به ضرب چاقو، توسط یکی از اعضای خانواده اش به قتل رسید.

جنایاتی از این دست تحت هر عنوان و بهانه ای محکوم بوده و بر هر وجدان آگاهی است موضع انسانی خود را علیه اینگونه پدیده ها اعلام دارد. بی گمان فرهنگ و مناسبات موجود آستن تکرار اینگونه فجایع بوده و سکوت و بی تفاوتی در برابر قتل فرشته ها معنایی جز تمکین و تسلیم در برابر باز تولید وحش و بربریت نخواهد داشت.

شکی نیست که برای باز گرداندن امنیت به جامعه، اولین قدم تشکیل سازمانهایی علیه خشونت و ایجاد انسجام و اتحاد انسانهای مترقی و آگاه است و برای پیکار با فرهنگ و خشونت ضروری ترین اقدام به اهتر از در آوردن پرچم انسانیت و برابری است.

بشزیت متمدن هر گونه تعرض به حریم انسان ها را بر نمی تابد و تا پایان هر گونه خشونت و تهدید جانی در افشای ریشه ها و عوامل نا برابری و نا امنی لحظه ای از پای نخواهد ایستاد.

با عزمی راسخ و اراده ای استوار از مقامات قضایی می خواهیم که عواملان این گونه جنایات را علنا دادگاهی کرده و نتیجه را از طرق رسانه های مختلف به اطلاع جامعه برسانند.

مردم بیدار و داغدیده

صفوف خویش را در پیکار با تبعیض و خشونت منسجم کنیم، باشد که این همبستگی پایانی بر پرپر شدن قرشته ها و نوید بخش دنیایی شایسته ی انسان امروز باشد. مرداد ۱۳۸۷

به حزب حکمتیست به پیوندید!

هر جا که هستید با هم متحد شوید، جمهوری اسلامی و مرتجعین را عقب برانید!

واحد های گارد آزادی را تشکیل دهید!